

تألیف و نشر کتابهای درسی و حقوق دانش آموزان از دیدگاه اسلام و حقوق مالکیت فکری

♦ ابراهیم شکا^۱♦ دکتر محسن طاهری^۲♦ دکتر حیدر تورانی^۳

چکیده: حق آموزش در حکم حقوق اولیه بشر، امری ضروری برای همه افراد جامعه است و تحقق پذیری آن نیازمند امکانات و ابزارهایی خاص است. کتابهای درسی، مهم ترین ابزار این امر قلمداد می شود که می بایست به طور مناسب و با روشی استاندارد و فراگیر و بدون تبعیض و قصد سودجویانه در اختیار آموزش گیرندگان و دانش آموزان قرار گیرند. این پژوهش با هدف تعیین وضعیت تألیف و نشر کتابهای درسی از لحاظ حقوق دانش آموزان و مالکیت فکری و همچنین حمایت از حق مؤلف و ناشر و صاحب اثر و حقوق جمعی گروه آموزش گیرندگان (دانش آموزان) انجام شده است. روش مطالعه، کتابخانه ای و تحلیلی - توصیفی است که با ارائه و تبیین نظریه های فقهی اسلامی و بررسی قواعد فقهی و تطبیق این قواعد با قوانین حقوق مالکیت فکری، تکلیف و حقوق اشخاص و دستگاههای اجرایی مسئول، اعم از پدید آورندگان (مؤلفان)، ناشران و مصرف کنندگان (آموزش دهندگان و آموزش گیرندگان) را بررسی کرده و سرانجام، با توجه به نتایج به دست آمده، راهکارها و پیشنهادهای لازم را ارائه می کند تا از دستکاری و سوء استفاده های غیر مجاز برخی اشخاص سودجو و فرصت طلب از کتابهای درسی که منجر به اختلال در نظام آموزش رسمی کشور می شود پیشگیری کند. بر اساس یافته های پژوهش انجام شده، از نظر فقه اسلامی و علمای حقوق مالکیت فکری، این حق مورد تأیید و حمایت قرار گرفته است.

کلید واژگان: نشر کتابهای درسی، حق دانش آموزان، حقوق اسلام، مالکیت فکری

© تاریخ دریافت: ۹۸/۰۳/۲۳

© تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۶

۱. دانشجوی دکتری رشته حقوق عمومی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. shakaebrahim@gmail.com
۲. (نویسنده مسئول)، استادیار گروه حقوق عمومی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. taheri.publiclaw@hotmail.com
۳. استاد مدیریت آموزشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش. heidar_toorani@yahoo.com

حق بر آموزش، بی‌شک به منزله حقوق طبیعی و اساسی هر انسان در هر جامعه است که به واسطه این حق و با بهره‌گیری از قدرت تفکر و حل مشکل، هر فرد می‌تواند آفرینشهای فکری بسیاری مانند آثار ادبی و هنری و صنعتی خلق کند. از این رو لازم است نظام‌نامه‌ای تهیه شود که تا بر اساس آن بتوان از حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان حمایت کرد. مروری بر پیشینه موضوع نشان می‌دهد که در راستای تکامل حقوق بشر و توسعه و پیشرفت صنعت از قرن ۱۶ میلادی به بعد برای حفظ آثار ادبی و هنری و طرحهای صنعتی و اختراعات صنعتگران و مخترعان و تشویق آنان حقوق مالکیت فکری مطرح شده است. در ایران نیز اولین قانون در زمینه حمایت از مالکیت فکری به‌عنوان قانون مالکیت ثبت علامات تجاری در سال ۱۳۱۰ و پس از آن در تاریخ ۱۳۴۸/۱۰/۱۱ تحت عنوان قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان به تصویب رسیده است. این قانون جامع‌ترین قانون کشور درباره حقوق مالکیت ادبی و هنری است که همچنان معتبر است. در پی آن، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات، مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶ و قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزاری رایانه، مصوب ۱۳۷۹، سپس قانون تجارت الکترونیکی در سال ۱۳۸۲ به رسمیت شناخته شده است. صاحبان آثار می‌توانند با بهره‌گیری از این قوانین از منافع معنوی و مادی اثر خود منتفع شوند و دیگران را از هرگونه تعدی به حقوق خود بازدارند.

رشد و توسعه علمی و فرهنگی هر جامعه مستلزم آموزش و پرورش صحیح و مناسب نیروی انسانی آن جامعه است و یکی از روشهای اساسی این امر آموزش فراگیر و عمومی و استاندارد است. کتابهای درسی به منزله ابزار این آموزش در امر یاددهی و یادگیری در اختیار آموزش‌گیرندگان قرار می‌گیرد که از طریق همین ابزارهای آموزشی اهداف و برنامه‌های درسی مرتبط با نظام آموزش در کلاسهای درس محقق می‌شود. شایان ذکر است که شمارگان سالانه کتابهای درسی ۱۴۰ میلیون جلد و در حدود هزار عنوان است و طی ۱۲ سال تحصیلی و دو دوره آموزشی ۶ ساله با جامعه آماری ۱۴ میلیون نفری و با هدف ایجاد فرصت آموختنی استاندارد و برابر برای همه با طراحی و برنامه‌ریزی خاص و علمی و تربیتی تولید می‌شوند. به همین جهت، برای صاحب اثر و پدیدآورنده این اثر جمعی و برای آموزش‌گیرندگان و دانش‌آموزان حقوقی متصور است و هر گونه دستکاری در شکل و محتوای کتاب درسی و تغییر شیوه نگارش و فصل‌بندی و تلخیص و ترجمه متونی که برای آموزش تهیه شده بدون نظارت و تأیید و اجازه صاحب اثر و پدیدآورنده آن مصداق بارز نقض حقوق گروهی از مصرف‌کنندگان تلقی می‌شود که امروزه در اصطلاح به حقوق جمعی معروف است (مرقاتی خویی، ۱۳۹۱).

با توجه به آنچه درباره حجم و اهمیت بالای کتابهای درسی ذکر شد به نظر می‌رسد، نظارت دستگاههای دولتی و حاکمیتی در این مورد امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. بر همین اساس در ماده سی ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به درستی این امر از وظایف دولت (وزارت آموزش و

پرورش) قلمداد شده است تا تضمینی برای احقاق حقوق عمومی آحاد افراد جامعه اعم از مؤلف، ناشر و آموزش‌گیرندگان باشد.

نظام آموزشی ایران به‌منظور اجرای صحیح امر تعلیم و تربیت و برقراری عدالت آموزشی که مهم‌ترین ابزار آن کتاب درسی دانش‌آموزان است سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش را (طبق قانون مصوب مجلس، ۱۳۵۵) عهده‌دار تألیف، تدوین و انتشار کتابها و نشریات آموزشی و کمک آموزشی برای دانش‌آموزان، معلمان و مربیان کرده است. این سازمان براساس شرح وظایف خود و با بودجه دولتی و تأمین و جذب و به‌کارگیری کارشناسان و متخصصان مجرب در حوزه برنامه‌ریزی درسی و آموزشی اقدام به تألیف و تدوین و نشر کتابهای درسی برای کل دانش‌آموزان کشور می‌کند. در سالهای اخیر افزایش مصرف کنندگان کتابهای آموزشی در مدارس و دانشگاهها، سبب شده است که گروهی از افراد سودجو با تهیه خودآموز یا حل‌المسائل و ترجمه متون آموزشی به زبانهای خارجی و حتی چاپ غیرقانونی اصل کتابها، به حقوق تهیه‌کنندگان این آثار تجاوز کنند و از این طریق درآمدهای غیرمشروع و غیرقانونی کلان به‌دست آورند. این امر، نقض آشکار حقوق جمعی دانش‌آموزانی است که می‌بایست به‌صورت درست و تحت روشهای استاندارد تعلیم ببینند و همچنین نقض حقوق مالکیت فکری صاحبان آثار و مؤلفان برابر قوانین موضوعه و قواعد فقهی است.

■ تعریف و مفهوم مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری «حقوقی است» که هر شخص نسبت به نتایج، یافته‌ها و آثار فکری خود دارد و شامل هر چیزی است که زاییده فکر و ذهن آدمی است و این مخلوق ذهن و فکر ممکن است به حوزه علم، هنر، صنعت یا تجارت تعلق داشته باشد (محمودی، ۱۳۹۱). البته گروهی دیگر از حقوقدانان حقوق مالکیت فکری را با نام حقوق مالکیت معنوی یکسان می‌دانند. این عده به دلیل اینکه همه موضوعات مالکیت‌های غیرمادی الزاماً بر اثر تفکر واندیشه ایجاد نشده و بعضی از آنها نظیر سرقتی، صرفاً به لحاظ اینکه وجود مادی ندارند به این عنوان شناخته می‌شوند و نیز از آنجا که متعلق حق، مادی نیست، اصطلاح حقوق معنوی را ترجیح می‌دهند و در مقابل عده‌ای دیگر از حقوقدانان اصطلاح حقوق مالکیت فکری را مناسب‌تر تشخیص داده و استدلال می‌کنند کلمه معنوی در لغت منسوب به معنی و مقابل مادی و صوری توصیف شده و از سویی هم معادل دقیق فارسی برای عبارت انگلیسی مالکیت فکری^۱ است نه مالکیت معنوی (زرکلام، ۱۳۸۸). مالکیت به بیان ساده، مجموعه‌ای از حقوق قانونی برای کنترل چیزی است. نظام قانونی انواع اشیایی که ممکن است به‌عنوان مالی با آنها رفتار شود و انواع حقوق را که نسبت به آنها وجود دارد تعریف می‌کند (صالحی، ۱۳۹۰). دربخش دیگری از تعاریف مالکیت فکری و ارتباط با اموال چنین آمده است که اموال مجموعه‌ای از حقوق قانونی هستند، نظام مالکیت، نهادی

1. Intellectual property

اجتماعی است که اهداف خاصی را در جامعه تأمین می‌کند، مانند زمین که ما تمایل داریم آن را از اموال بپنداریم اما این اشیا فقط در ارتباط با افراد جامعه حالت مال بودن را به خود می‌گیرند، ما اطراف آن را علامت‌گذاری می‌کنیم و اسنادی می‌سازیم تا وظایف و حقوق اجتماعی و قانونی فرد نسبت به زمین را نشان دهیم، لذا مفهوم مالکیت یک رابطه سه بعدی میان شیء، فرد و جامعه است (همان منبع). بنا به تعریف سازمان جهانی مالکیت فکری^۱، مالکیت فکری ناظر است بر محصولات ذهنی شامل اختراعات، آثار ادبی و هنری و هرگونه نمادها. از نظر سازمان تجارت جهانی: «مالکیت فکری حقوقی است که مخلوقات ذهنی عمومی مردم را مورد حمایت قرار می‌دهد و از این طریق آفرینندگان اثر را می‌توان مورد حمایت قرار داد. برای جلوگیری دیگران از استفاده از اختراعات، طرح یا دیگر خلاقیت آنها، این حقوق به‌عنوان «حقوق مالکیت فکری» شناخته شده است (آپلین و دیویس^۲، ۲۰۱۳). با توجه به تعریف فوق‌الذکر می‌توان حقوق مالکیت را از طیف علایق شخصی شامل علاقه به مسکن، حیوانات و ... دانست که البته مهم‌ترین جنبه علائق که حقوق مالکیت از آن حمایت می‌کند جنبه اقتصادی آن است. افراد بدون حقوق مالکیت نمی‌توانند در بازار اقتصادی مشارکت داشته باشند، بنابراین اموال می‌توانند خریداری شوند، فروخته شوند، اجاره داده شوند یا در قبال مبلغی به رهن گذارده شوند.

مردم علایق مهمی دارند که ارزش حمایت از آنها بیشتر از علایقی است که نسبت به اشیای ملموس است، آنها همچنین نسبت به اشیای غیر ملموس از جمله ایده‌های نوشته شده روی کاغذ یا اطلاعات علایقی دارند که از مالکیتی تحت عنوان مالکیت فکری ایجاد می‌شود. حقوق مالکیت فکری دارای دو شاخه اصلی است که در ماهیت، قواعد و موضوعات دارای تفاوت‌های اساسی با یکدیگرند. شاخه اول مالکیت صنعتی است که به نوبه خود دارای دو مقوله از حقوق یعنی حقوق راجع به ابداعات و اختراعات و علائم تمیزدهنده (شامل علائم تجاری) و طرح‌های صنعتی و اسرار تجاری است و شاخه دوم، مالکیت ادبی و هنری شامل حقوق مؤلف و مجاور و مرتبط (مجریان آثار) و باندکی تفاوت حقوقی کپی‌رایت است (زرکلام، ۱۳۸۸).

این پژوهش کوششی است در پاسخ به سؤالات ذیل:

■ سؤالات پژوهش

۱. آشنایی پدیدآورندگان، مؤلفان و صاحبان اثر کتابهای درسی با قوانین مرتبط با تألیف و انتشار کتب به چه میزانی است؟
۲. تا چه میزان حقوق مالکیت فکری در زمینه تألیف و انتشار کتابهای درسی با قواعد فقهی در اسلام تطابق دارد؟

1. World Intellectual Property Organization (WIPO)
2. Aplin & Davis

۳. نقش و جایگاه حقوقی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش در تألیف و انتشار کتابهای درسی چگونه است؟

۴. آیا دستکاری و کپی‌برداری بدون مجوز از کتابهای درسی با توجه قوانین حقوقی داخلی و قواعد فقهی اسلام بوده است؟ آیا دانش‌آموزان نسبت به کتابهای درسی که با هدف و برنامه‌درسی ملی و تعلیم تربیت اسلامی تولید شده‌اند به‌عنوان حقوق جمعی حقی دارند؟ آیا متخلفانی که در مسیر آموزش اختلال ایجاد می‌کنند قابل تعقیب خواهند بود؟

■ روش تحقیق

این پژوهش از نظر متغیر زمانی به‌صورت اسنادی و از نظر متغیر مکانی کتابخانه‌ای و از لحاظ ماهیتی تحلیلی- توصیفی انجام شده است. برای پاسخگویی به سؤال اول از اسناد کتابخانه‌ای و قوانین مربوط و تهیه پرسشنامه محقق‌ساخته که اعتبار و روایی آن به تأیید صاحب‌نظران نیز رسیده بهره‌گرفته شده است. برای پرسشهای دیگر از مطالعه تطبیقی در زمینه مفهوم‌شناسی حقوق مالکیت فکری استفاده شده و موضوع حق مؤلف و ناشر و حقوق مرتبط و جمعی مصرف‌کنندگان از منظر قواعد فقهی در اسلام و حقوق داخلی و بین‌المللی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

■ یافته‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش: آشنایی پدیدآورندگان و مؤلفان و صاحبان اثر کتابهای درسی با قوانین مرتبط با تألیف و انتشار کتب به چه میزانی است؟

● میزان آشنایی مدیران و کارشناسان با قوانین مرتبط

الف. قانون مسئولیت مدنی

جدول ۱. گزارش نتیجه آشنایی با قانون مسئولیت مدنی

وضعیت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
میزان						
تعداد	۵۲	۱۴	۱۶	۸	۸	۹۸
درصد	۵۳/۱	۱۴/۳	۱۶/۳	۸/۲	۸/۲	۱۰۰

میانگین ۲/۴۰۸ انحراف معیار ۱/۳۳۰۹۸ کولموگوروف اسمیرنوف ۳/۱۰۴ سطح معناداری ۰/۰۰۰

بر اساس نتیجه به‌دست آمده ۶۷/۴ درصد از پاسخ‌دهندگان گزینه‌های خیلی کم و کم را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره حاصله نیز مؤید این مطلب است. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنف (۳/۱۰۴) با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که تفاوت میان فراوانیها از نظر آماری معنادار بوده است و با اطمینان بیش از ۰/۹۹ و قبول خطای کمتر از ۰/۱ می‌توان نتیجه گرفت که اکثریت کارشناسان سازمان در حد کمی با قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹/۲/۷) آشنایی دارند.

ب. قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (سال ۱۳۴۸)

جدول ۲. توزیع فراوانی حمایت از حقوق مؤلفان

وضعیت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
میزان						
تعداد	۳۲	۱۶	۳۴/۷	۱۰/۲	۶/۱	۹۸
درصد	۳۲/۷	۱۶/۳	۱۶/۳	۸/۲	۸/۲	۱۰۰

میانگین ۲/۰۴۰۸۲ انحراف معیار ۱/۲۱۷۰۳ کولموگروف اسمیرنف ۲/۰۰۹ سطح معناداری ۰/۰۰۱

بر اساس نتیجه به‌دست آمده ۴۹ درصد از پاسخ‌دهندگان گزینه‌های کم و خیلی کم را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره حاصله (۲/۴۱) نیز حد زیر متوسط را نشان می‌دهد. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنف (۲/۰۰۹) با سطح معناداری (۰/۰۰۱) بیانگر این است که تفاوت میان فراوانیها از نظر آماری معنادار است و با اطمینان بیش از ۰/۹۹ و قبول خطای کمتر از ۰/۰۱ می‌توان نتیجه گرفت که ۱۶/۳ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد، ۳۴/۷ درصد در حد متوسط و ۴۹ درصد نیز در حد کم و خیلی کم با قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) آشنایی دارند.

ج. قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب ۱۳۵۲)

جدول ۳. توزیع فراوانی قانون ترجمه و تکثیر

وضعیت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ	کل
میزان							
تعداد	۳۴	۱۴	۳۸	۶	۲	۴	۹۸
درصد	۳۴/۷	۱۴/۳	۳۸/۸	۶/۱	۲/۰	۴/۱	۱۰۰/۰

میانگین ۲/۲۳۴۰ انحراف معیار ۱/۰۸۱۸۷ کولموگروف اسمیرنف ۲/۴۲۳ سطح معناداری ۰/۰۰۰

بر اساس نتایج به دست آمده ۸/۱ درصد از پاسخ دهندگان گزینه های زیاد و خیلی زیاد و بقیه متوسط، کم و خیلی کم را انتخاب کرده اند. میانگین نمره حاصله (۲/۲۳) نیز حد زیر متوسط را نشان می دهد. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنف (۲/۴۲۳) با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می دهد که تفاوت میان فراوانیها از نظر آماری معنادار است و با اطمینان بیش از ۰/۹۹ و قبول خطای کمتر از ۰/۱ می توان نتیجه گرفت که اکثریت کارشناسان سازمان در حد کمی از قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب ۱۳۵۲) آگاه اند.

د. قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای (مصوب سال ۱۳۷۹)

جدول ۴. توزیع فراوانی قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان

میزان	وضعیت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
تعداد		۲۲	۳۶	۲۶	۱۰	۴	
درصد		۲۲/۴	۳۶/۷	۲۶/۵	۱۰/۲	۴/۱	

میانگین ۲/۳۶۷۳ انحراف معیار ۱/۰۶۸۶۵ کولموگروف اسمیرنف ۲/۲۴۰ سطح معناداری ۰/۰۰۰

بر اساس نتیجه به دست آمده ۵۹/۱ درصد از پاسخ دهندگان گزینه های خیلی کم و کم را انتخاب کرده اند. میانگین نمره حاصله (۲/۳۷) نیز این مطلب را تأیید می کند. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنف (۱/۰۶۸) با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می دهد که تفاوت میان فراوانیها از نظر آماری معنادار است و با اطمینان بیش از ۰/۹۹ و قبول خطای کمتر از ۰/۱ می توان نتیجه گرفت که اکثریت کارشناسان سازمان در حد کمی با قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه ای (مصوب سال ۱۳۷۹) آشنایی دارند.

ه. قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری (معنوی) WIPO

(سال ۱۳۸۰)

جدول ۵. توزیع فراوانی قانون الحاق

میزان	وضعیت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
تعداد		۳۸	۳۶	۱۲	۱۰	۲	۹۸
درصد		۳۸/۸	۳۶/۷	۱۲/۲	۱۰/۲	۲/۰	۱۰۰/۰

میانگین ۲ انحراف معیار ۱/۰۵۵۱۸ کولموگروف اسمیرنف ۲/۵۲۵ سطح معناداری ۰/۰۰۰

بر اساس نتایج به‌دست آمده ۷۵/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان گزینه‌های خیلی کم و کم را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره حاصله (۲) نیز مؤید این مطلب است. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنف (۲) با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که تفاوت میان فراوانیها از نظر آماری معنادار است و با اطمینان بیش از ۰/۹۹ و قبول خطای کمتر از ۰/۱ می‌توان نتیجه گرفت که اکثریت کارشناسان سازمان در حد کمی با قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری (معنوی) (سال ۱۳۸۰) آشنایی دارند.

و. قانون تجارت الکترونیکی (۱۳۸۲)

جدول ۶. توزیع فراوانی قانون تجارت الکترونیکی

وضعیت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
میزان						
تعداد	۳۸	۳۸	۱۲	۶	۴	۹۸
درصد	۳۸/۸	۳۸/۸	۱۲/۲	۶/۱	۴/۱	۱۰۰/۰

میانگین ۱/۹۷۹۶ انحراف معیار ۱/۰۶۴۷۱ کولموگروف اسمیرنف ۲/۶۵۲ سطح معناداری ۰/۰۰۰

بر اساس نتیجه به‌دست آمده ۷۷/۶ درصد از پاسخ‌دهندگان گزینه‌های خیلی کم و کم را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره حاصله (۱/۹۷۹) نیز مؤید این مطلب است. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنف (۲/۶۵۲) با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که تفاوت میان فراوانیها از نظر آماری معنادار است و با اطمینان بیش از ۰/۹۹ و قبول خطای کمتر از ۰/۱ می‌توان نتیجه گرفت که اکثریت کارشناسان سازمان در حد کمی قانون تجارت الکترونیکی (۱۳۸۲) را می‌دانند.

ز. مجازاتها و ضمانتهای اجرایی کیفری و مدنی نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری در قوانین مذکور

جدول ۷. توزیع فراوانی و شاخصهای آماری مجازات و ضمانتها

وضعیت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
میزان						
تعداد	۳۲	۳۸	۳۲	۴	۲	۹۸
درصد	۳۲/۷	۳۸/۸	۳۲/۴	۴/۱	۲/۰	۱۰۰/۰

میانگین ۲/۰۴۰۸ انحراف معیار ۱/۰۹۵۱۶۰ کولموگروف اسمیرنف ۲/۲۹۱ سطح معناداری ۰/۰۰۰

بر اساس نتیجه به دست آمده ۷۱/۵ درصد از پاسخ دهندگان گزینه های خیلی کم و کم را انتخاب کرده اند. میانگین نمره حاصله (۲/۰۴) نیز نشانگر حد کم است. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنف (۲/۲۹۱) با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می دهد که تفاوت میان فراوانیها از نظر آماری معنادار است و با اطمینان بیش از ۰/۹۹ و قبول خطای کمتر از ۰/۱ می توان نتیجه گرفت که اکثریت کارشناسان سازمان در حد کمی با مجازاتها و ضمانتهای اجرایی کیفری و مدنی نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری در قوانین مذکور آشنایی دارند.

ح. آگاهی از دستورالعملها، آئین نامه ها و بخشنامه ها

جدول ۸. توزیع فراوانی و شاخصهای آماری دستورالعملها و آئین نامه ها

وضعیت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
میزان						
تعداد	۳۶	۳۲	۱۶	۱۲	۲	۹۸
درصد	۳۶/۷	۳۲/۷	۱۶/۳	۱۲/۲	۲/۰	۱۰۰/۰

میانگین ۲/۰۴۰۸ انحراف معیار ۱/۰۹۵۱۶۰ کولموگروف اسمیرنف ۲/۲۹۱ سطح معناداری ۰/۰۰۰

بر اساس نتیجه به دست آمده ۶۹/۴ درصد از پاسخ دهندگان گزینه های خیلی کم و کم را انتخاب کرده اند. میانگین نمره حاصله (۲/۱۰) نیز نشان دهنده حد کم است. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنف (۲/۲۸۶) با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می دهد که تفاوت میان فراوانیها از نظر آماری معنادار است و با اطمینان بیش از ۰/۹۹ و قبول خطای کمتر از ۰/۱ می توان نتیجه گرفت که اکثریت کارشناسان سازمان در حد کمی از دستورالعملها، آئین نامه ها و بخشنامه های مربوطه آگاهی دارند.

ط. آشنایی با قراردادهای اجازه بهره برداری و کپی برداری از آثار ادبی و هنری

جدول ۹. توزیع فراوانی و شاخصهای آماری قراردادهای

وضعیت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ	کل
میزان							
تعداد	۱۸	۲۰	۳۴	۱۶	۸	۲	۹۸
درصد	۱۸/۴	۲۰/۴	۳۴/۷	۱۶/۳	۸/۲	۲/۰	۱۰۰/۰

میانگین ۲/۷۵ انحراف معیار ۱/۱۸۷۶۶ کولموگروف اسمیرنف ۱/۸۳۷ سطح معناداری ۰/۰۰۲

بر اساس نتایج به‌دست آمده ۳۸۸/۸ درصد از پاسخ‌دهندگان گزینه‌های خیلی کم و کم را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره حاصله (۲/۷۵) نیز حد زیر متوسط را نشان می‌دهد. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنف (۱/۸۳۷) با سطح معناداری (۰/۰۰۲) نشان می‌دهد که تفاوت میان فراوانیها از نظر آماری معنادار است و با اطمینان بیش از ۰/۹۹ و قبول خطای کمتر از ۰/۱ می‌توان نتیجه گرفت که ۲۴/۵ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد، ۳۴/۷ درصد متوسط و ۳۸/۸ درصد در حد کم و خیلی کم با قراردادهای اجازه بهره‌برداری و کپی‌برداری از آثار ادبی و هنری سازمان آشنایی دارند.

ی. آشنایی با نحوه واگذاری حقوق مادی و معنوی آثار ادبی و هنری

جدول ۱۰. توزیع فراوانی و شاخصهای آماری نحوه واگذاری حقوق و آثار معنوی

وضعیت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ	کل
میزان							
تعداد	۱۸	۱۶	۴۸	۶	۴	۶	۹۸
درصد	۱۸/۴	۱۶/۳	۴۹	۶/۱	۴/۱	۶/۱	۱۰۰/۰

میانگین ۲/۵۸۷۰ انحراف معیار ۱/۰۱۷۹۹ کولموگروف اسمیرنف ۲/۷۶۲ سطح معناداری ۰/۰۰۰

بر اساس نتیجه به‌دست آمده ۴۹ درصد از پاسخ‌دهندگان گزینه متوسط را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره حاصله (۲/۵۸) نیز مؤید این مطلب است. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنف (۲/۷۶۲) با سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد که تفاوت میان فراوانیها از نظر آماری معنادار است و با اطمینان بیش از ۰/۹۹ و قبول خطای کمتر از ۰/۱ می‌توان نتیجه گرفت که ۱۴/۲ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد، ۴۹ درصد متوسط و ۳۴/۷ درصد در حد کم و خیلی کم به نحوه واگذاری حقوق مادی و معنوی آثار ادبی و هنری آشنایی دارند.

ک. آشنایی با قراردادهای حق امتیاز (اجازه بهره‌برداری) از آثار ادبی و هنری

جدول ۱۱. توزیع فراوانی و شاخصهای اجازه بهره‌برداری از آثار ادبی

وضعیت	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کل
میزان						
تعداد	۱۸	۲۸	۳۴	۱۰	۸	۹۸
درصد	۱۸/۴	۲۸/۶	۳۴/۷	۱۰/۲	۸/۲	۱۰۰/۰

میانگین ۲/۶۱۲۲ انحراف معیار ۱/۱۴۵۴۳ کولموگروف اسمیرنف ۱/۸۲۰ سطح معناداری ۰/۰۰۳

بر اساس نتایج به دست آمده ۴۷ درصد از پاسخ دهندگان گزینه‌های خیلی کم و کم را انتخاب کرده‌اند. میانگین نمره حاصله (۲/۶۱) نیز حد متوسط را نشان می‌دهد. نتایج آزمون کولموگروو اسمیرنوف (۱/۸۲۰) با سطح معناداری (۰/۰۰۳) نشان می‌دهد که تفاوت میان فراوانیها از نظر آماری معنادار است و با اطمینان بیش از ۰/۹۹ و قبول خطای کمتر از ۰/۱ می‌توان نتیجه گرفت که ۱۸/۴ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد، ۳۴/۷ درصد متوسط و ۴۷ درصد نیز در حد کم و خیلی کم، اطلاعاتی در زمینه قراردادهای حق امتیاز (اجازه بهره‌برداری) از آثار ادبی و هنری دارند.

■ خلاصه و جمع‌بندی یافته‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش: آشنایی پدیدآورندگان، مؤلفان و صاحبان اثر کتابهای درسی با قوانین مرتبط با تألیف و انتشار کتب به چه میزانی است؟

براساس یافته‌های مربوط به سؤال اول پژوهش، آگاهی اکثریت جامعه مورد مطالعه با قوانین مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹/۲/۷)، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (مصوب ۱۳۵۲)، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای (مصوب سال ۱۳۷۹)، قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری (معنوی) (سال ۱۳۸۰)، قانون تجارت الکترونیکی (۱۳۸۲)، مجازاتها و ضمانتهای اجرایی کیفری و مدنی نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری در حد کمی است و آگاهی آنها با دستورالعملها و آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های مربوطه در حد کم است. همچنین اکثریت موافق عدم دریافت حق امتیاز و حق تألیف و کلیه حقوق مادی و معنوی برای کلیه آثار ادبی و هنری سازمان نیستند.

سؤال دوم پژوهش: تا چه میزان حقوق مالکیت فکری در زمینه تألیف و انتشار کتابهای آموزشی و درسی با قواعد فقهی در اسلام تطابق دارد؟

(شایان ذکر است از آنجا که مسئله «مالکیت فکری» از مباحث مستحدثه و جدید به‌شمار می‌آید، طبیعی است نمی‌توان چنین بحثی را در آثار فقهی پیشین جستجو کرد).

آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است که مالکیت فکری همچون مالکیت مادی محترم است (لذا تعدی به آن وضعاً ضمان آور است) و تجاوز به حریم آن جایز نیست (یعنی تکلیفاً حرام است) و هرکس تجاوز کند و خسارتی به بار آورد ضامن است، زیرا مالکیت از موضوعات عرفی و عقلایی است و می‌دانیم در عصر و زمان ما این نوع مالکیت در عرف عقلاً به رسمیت شناخته شده است و از آنجا که موضوع را از عرف می‌گیریم و حکم را از شرع، چنین نتیجه خواهیم گرفت که اصل کلی «لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالٍ غَيْرِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ» (برای کسی جایز نیست بدون اجازه صاحب مالی در آن تصرف کند) شامل آن هم می‌گردد. اضافه بر این گاه می‌شود که برای اختراع یک وسیله صنعتی یا اکتشاف یک دارو و یا تألیف

یک دوره کتاب یا تولید یک لوح فشرده^۱، مبالغ گزافی هزینه می‌کنند و صدها ساعت زحمت می‌کشند. به یقین اگر کسی آن اثر را بردارد و بدون اجازه تولیدکننده تکثیر کند، ظلم فاحشی مرتکب شده و ظلم از نظر شرع و عقل حرام است و اگر کسانی مرتکب این کار خلاف از طریق غیرقانونی شوند دلیل بر مباح بودن آن نمی‌شود و ضامن آن هستند (استفتائات، ۱۳۷۱). آیت‌الله سیستانی قائل به احتیاط واجب است و مالکیت فکری را در صورتی که قانون جامعه باشد می‌پذیرد (همان منبع).

یکی از پژوهشگران معتقد است که به رسمیت نشناختن مالکیت فکری با نشر علم منافات دارد، زیرا «اگر چنین محدودیتی (یعنی جلوگیری از تکثیر بدون اذن صاحب اثر) نباشد و محقق و مؤلفی ملاحظه کند که اثر او که سالها برای آن زحمت کشیده به راحتی به‌دست کسانی چاپ و عرضه می‌شود و نفع قابل توجهی به‌دست می‌آورند، از تألیف و تحقیق منصرف می‌شود و این مانع جدی در برابر توسعه علم است.» (حکمت‌نیا، ۱۳۸۶). او می‌نویسد: «هرگاه ولی فقیه از نظر مصلحت اجتماعی صلاح بداند که از این قبیل حقوق صیانت کند، می‌تواند جامعه را الزام نماید و از ولایت خود برای تثبیت آن استفاده کند.» ایشان در ادامه می‌نویسد: هرگاه ولی فقیه چاپ اثر تألیفی فردی را بدون اجازه وی ممنوع اعلام کند، مؤلف می‌تواند در برابر اجازه‌ای که می‌دهد مبلغی را دریافت نماید و اگر بدون اجازه وی چاپ شود ولی فقیه می‌تواند براساس حق اعمال ولایت حق الزحمه صاحب اثر را از چاپ دریافت و به او بپردازد، همان‌طوری که در مورد اخذ مالیات اقدام می‌کند (همان منبع).

■ مشروعیت مالکیت فکری مبتنی بر نظریه منطقه الفراغ

مراد از منطقه‌الفراغ آن است که احکام جزئی مربوط به حوادث جاری که بر اثر تغییر زمان به سرعت متغیر می‌شوند، از اختیارات حاکم اسلامی است و او می‌تواند براساس اصول، ضوابط و اهداف به وضع قوانین متناسب با اوضاع و احوال بپردازد. مالکیت فکری به لحاظ موضوعی در منطقه الفراغ واقع است؛ چون از سویی از مصادیق رابطه انسان با طبیعت است و از سوی دیگر، امور فکری از مواردی است که تطور و تغییر بنیادین در آن به جهت پیشرفت صنعت و امکانات تکثیر و بهره‌برداری به‌وجود آمده است و افراد می‌توانند به راحتی از دستاورد فکری دیگران سود سرشار ببرند بدون آنکه پدیدآورنده از آن عایدات منتفع شود (مرقاتی خویی، ۱۳۹۱).

■ تطبیق مفاهیم با حق مؤلف، ناشر و آموزش‌گیرندگان

حال که به اجمال درباره سه مفهوم حق، تکلیف و حکم مطالبی را بیان کردیم که از مباحث دقیق و مفصل در فقه و حقوق است و رساله‌های مستقلی نیز در این باره نگاشته شده است، به تطبیق این مفاهیم با مصادیق مورد بحث در این مقاله می‌پردازیم:

الف. حق مؤلف (صاحب اثر) در واقع نوعی سلطه و امتیاز است نسبت به اثر تألیف شده که نظام حقوقی برای صاحب اثر به رسمیت می‌شناسد و دیگران را به احترام گذاشتن به آن مکلف و ملزم می‌سازد و با این گزاره که «تجاوز به حق مؤلف ممنوع است» دیگران را مکلف به رعایت حقوق صاحبان آثار می‌کند و در صورت عدم رعایت حقوق صاحب اثر مجازاتهای بازدارنده وضع می‌نماید. پس حق التألیف نسبت به مؤلف «حق» و رعایت آن توسط دیگران «تکلیف» و بیان رعایت چنین حقی توسط قانون‌گذار «حکم» است (صرامی، ۱۳۸۵؛ مرقاتی خویی، ۱۳۹۱).

ب. حق ناشر نسبت به اثر انتشار یافته با قرارداد فیما بین صاحب اثر و ناشر که براساس مقررات و قوانین موضوعه به مدت معین می‌تواند «امتیازی» باشد برای ناشر که از سوی قانون‌گذار به رسمیت شناخته می‌شود و در صورت عدم رعایت توسط دیگران الزامات قانونی را به اجرا می‌گذارد. پس حق نشر به بیانی «حق» است، و رعایت آن «تکلیف» است و الزام به رعایت آن حق، «حکم» است (همان منبع).

ج. قسم سوم از «حق» متعلق به آموزش‌گیرندگان است که ما از آن به «حق جمعی» یاد کردیم. این حق از جمله «حقوق طبیعی» هر انسانی است که باید زمینه دستیابی به آن را به‌طور مساوی ایجاد کرد. مثلاً در ماده ۲۶ حقوق بشر آمده است که «هر شخصی حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود...» و در بند ۲ همین ماده می‌گوید: «هدف آموزش و پرورش» باید شکوفایی همه جانبه شخصیت انسان و تقویت رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی باشد». همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سوم و سی‌ام به مسئله به مسئله حق آموزش پرداخته است.

سؤال سوم پژوهش: نقش و جایگاه حقوقی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در تألیف و انتشار کتابهای درسی چگونه است؟

نقش و جایگاه حقوقی سازمان پژوهش در مورد کتابهای درسی چنان با اهمیت است که قانون‌گذار در خصوص تألیف و انتشار کتابهای آموزشی و درسی برای دانش‌آموزان و معلمان و مربیان طبق بند ۳ ماده ۲ قانون تشکیل سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش (مصوب ۱۳۵۵ مجلس) کلیه فرایند پژوهش، برنامه‌ریزی، ارزشیابی، تألیف و چاپ و توزیع کتابهای درسی را به‌عهده سازمان پژوهش گذاشته است و هرگونه نقض آن از طرف افراد و اشخاص را نقض حکم قانونی محسوب و تحت پیگرد قانونی قرار می‌دهد.

همچنین سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش به جهت اینکه دارای شخصیت حقوقی و حقوق عمومی است، بایستی به منافع و حقوق عمومی مردم (دانش‌آموزان و معلمان) کل کشور طبق وظایف قانونی خود توجه کند و اقدام لازم را مبذول نماید. این خدمات همان‌طور که در بالا بیان شد طبق مستندات قانونی اجازه انجام تألیف و انتشار کتابهای درسی را برای سازمان امکان‌پذیر

می‌کند و بر همین اساس سازمان به‌عنوان پدیدآورنده و صاحب اثر دارای حق تألیف و به جهت انتشار آنها دارای حق نشر و به دلیل تصریح قانون‌گذار در قوانین مربوط دارای حکم و رعایت آن از سوی دیگران است و از نظر اثر تولیدی سازمان با توجه به مدیریت و ابتکار به‌کار رفته شده در تدوین و تألیف کتابهای درسی این نوع آثار اثر جمعی نامیده می‌شود که در ذیل به ویژگی آن می‌پردازیم.

■ تعریف اثر جمعی

در کشورهای نظام رومی- ژرمنی مانند فرانسه و آلمان حق مؤلف آثار با پدید آورندگان متعدد یا آثار سازمانی به‌طور کلی سه نوع است: ۱. آثار مشترک ۲. آثار مرکب ۳. آثار جمعی.

در ایران در حوزه مالکیت ادبی و هنری، قانون‌گذار در سال ۱۳۴۸ در ماده ۶ قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، تنها به تعریف اثر مشترک پرداخته و گفته است: «اثر مشترک نامیده می‌شود». همچنین در بند ب ماده ۵ قانون ثبت اختراعات و طرحهای صنعتی سال ۱۳۸۶ به آن اشاره شده است و در این تعاریف حقوق ناشی از آثار مشترک به‌صورت مشاع و مشترکاً به پدیدآورندگان تعلق می‌گیرد (همچنین در بند همان ماده مقرر داشته حقوق مادی اختراع ناشی از استخدام یا قرارداد با افراد متعلق به کارفرما می‌باشد مگر خلاف آن در قرارداد شرط شده باشد).

در کشور فرانسه مشخصاً آثار جمعی و نتایج حقوقی آن را نام برده‌اند و آن را اثری می‌دانند که به ابتکار یک شخص حقیقی یا حقوقی و تحت مدیریت و نام وی آفریده، چاپ، منتشر و توزیع شده باشد. این اثر در مجموع ناشی از مشارکت شخصی پدید آورندگان متعدد در تألیف و تدوین آن است بدون اینکه اختصاص حق جداگانه برای هریک از آنها نسبت به مجموع اثر ممکن باشد. البته مشابه همین تعریف در لایحه جدید حقوق مالکیت فکری ایران مصوب ۹۳/۷/۲ هیئت دولت ارائه شده که هم اکنون در مجلس شورای اسلامی در حال بررسی است.

با توجه به تعریف آثار سازمانی و اثر جمعی و مشترکات میان آنها به‌نظر می‌رسد نزدیک‌ترین مناسب‌ترین مفهوم حقوقی برای آثار سازمانی همان اثر جمعی باشد. حال با این فرض که آثار سازمانی یعنی کتابهای درسی یک اثر جمعی محسوب می‌شود، حقوق ناشی از اثر جمعی نیز متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است.

■ رجحان حقوق جمعی بر حقوق فردی

مقررات اسناد بین‌المللی که از حقوق مالکانه حمایت می‌کنند در مواردی حق فردی را نادیده می‌گیرند و به دولت اجازه می‌دهند که براساس جلب منفعت عمومی عمل کند و در مواردی حق فردی را نادیده بگیرد و به عبارتی از حقوق اجتماعی حمایت و بی‌عدالتهای اجتماعی را محو کند (آسبورن، کراوزه و روساس، ۱۳۹۰). در متون فقهی نیز براساس قاعده «الاهم و المهم» یا «تراحم اهم و مهم»

می توان استدلال کرد که در صورت تزامم بین حقوق فردی و جمعی به جهت مهم تر بودن حقوق جمعی باید آن را مقدم داشت. پس، از نظر بنای عقلایی حفظ حقوق جمعی مهم تر از رعایت حقوق فردی است. در مواردی که افرادی با دخالت های نادرست اقدام به دستکاری در ساختار کتابهای آموزشی کنند، به رغم داشتن مالکیت نسبت به کتابهای چاپ شده غیراستاندارد باید نسبت به معدوم کردن آنها تمکین کنند ولو از مؤلفان کتابهای اصلی اجازه گرفته باشند، زیرا صیانت از حقوق جمعی از وظایف دولت است و اجازه صاحب اثر در این مورد کارساز نخواهد بود. (خویی، ۱۴۱۸)

سؤال چهارم پژوهش: دستکاری و کپی برداری بدون مجوز از کتابهای درسی چگونه است؟

کتابهای درسی با توجه به مخاطبان خود که باید از این طریق آموزشهای لازم را اخذ کنند، به شکل استاندارد تنظیم و انتشار می یابند. طبیعی است که هرگونه دستکاری اعم از ترجمه کتابهای آموزش زبان، تلخیص و چهار گزینه ای کردن آنها و سایر کتابهای درسی، تهیه پاسخنامه برای پرسشهای پایانی، تولید اثری متقلبانه یا شبیه سازی شده محسوب می شود و از نظر شرعی و حقوقی نقض حقوق ادبی و هنری به شمار می آید و می توان علیه اقدام کنندگان دعوی تقلب اقامه کرد که دارای ابعاد کیفری و مدنی است. در این بین اهداف نقض کنندگان حقوق صاحبان آثار ولو برای کمک به دانشجویان یا دانش آموزان باشد، در ماهیت موضوع تأثیری ندارد (همان منبع).

در مورد کتابهای درسی دستکاری شده، علاوه بر جنبه مدنی آن که مربوط به حقوق مادی و معنوی صاحب اثر و ناشر است، از بعد مسئولیت مدنی و کیفری که تحمل مجازاتهای تعزیری و جبران خسارتهای را در پی دارد نیز موضوع قابل بررسی است. در فقه امامیه و حقوق ایران مبانی متعددی وجود دارد که بر اساس آنها می توان اقدام کننده را مسئول دانست و تحت قواعد فقهی و بررسی کرد. این قواعد عبارت اند از:

۱. قاعده اتلاف

یکی از قواعد فقهی پر کاربرد، قاعده اتلاف است که در ماده ۳۲۸ قانون مدنی (کاتوزیان، ۱۳۷۷) نیز بدان اشاره شده است. مستند این قاعده روایت «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۹، ص ۲۴۳) (هرکس مال غیر را تلف کند نسبت به آن ضامن است) خواه این تلف کردن از روی عمد باشد یا غیر عمد و خواه مال تلف شده غبن باشد یا منفعت. حال سؤال این است: آیا شمول قاعده فقط اموال مادی را در برمی گیرد یا حقوق معنوی نیز می تواند مصداق قاعده قرار گیرد؟ پیش تر بیان شد که صاحب اثر اعم از کتاب یا یک اثر هنری نسبت به اثر خود دارای حق است و عرف عقلاً آن را به رسمیت شناخته و تعدی به آن حق به هر شکلی غیرمجاز است. گاهی ممکن است این تعدی به حق با انتشار غیرمجاز کتابی صورت نپذیرد بلکه فرد یا افرادی به تغییر در شکل کتاب و از بین بردن آثار آموزشی آن مبادرت کنند.

۲. قاعده غرور

قاعده غرور از قواعد مهمی است که هم شیعه و هم اهل سنت بدان تأکید کرده‌اند و مفهوم آن این است: «هرگاه از شخصی عملی صادر گردد که باعث فریب خوردن شخص دیگر بشود و از این طریق ضرر و زیانی متوجه او گردد، شخص نخست به موجب این قاعده ضامن است و باید از عهده خسارت وارد شده بر آید.» (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۱۶۳) مستند قاعده حدیث معروف «المغرور یرجع الی من غره» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹ ق، ص. ۲۲۶) است (ترجمه: فریب خورده به کسی مراجعه می‌کند که او را فریب داده است).

در بحث تولید کتابهای غیراستاندارد، در واقع تولیدکنندگان با فریب دانشجویان یا دانش‌آموزان از نظر معنوی در مسیر آموزش صحیح آنها زیان غیرقابل جبرانی وارد می‌کنند؛ مثلاً ناشی کتابی را تحت ضوابطی برای آموزش انگلیسی تخصصی منتشر می‌کند و فرد یا افرادی آن را به فارسی ترجمه می‌کنند و موجب می‌شوند که آموزش‌گیرندگان از آن کتاب در واقع فریب بخورند و تخصص مورد نظر را کسب نکنند و از این طریق متضرر بشوند. به نظر می‌رسد براساس این قاعده علاوه بر اینکه می‌توان جلو انتشار چنین کتابهایی را گرفت نهادهای مردمی نیز می‌توانند به‌عنوان حمایت از حقوق معنوی جامعه هدف به مطالبه حقوق تضییع شده مبادرت ورزند.

۳. قاعده لاضرر

یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در اکثر ابواب فقه بدان استناد می‌شود، قاعده لاضرر است که مهم‌ترین مستند آن عقل است و آیات و روایات بسیاری از باب تأیید و تأکید بر این حکم عقلی بیان شده‌اند و مشهورترین آنها حدیث معروف منقول از پیامبر اکرم (ص) است که فرمود: «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۶، ص ۱۴) و بنابر نظر مرحوم شیخ انصاری مفهوم این قاعده برداشته شدن هر حکمی است که از ناحیه شارع صادر گردد و مستلزم ضرر برای مردم باشد (انصاری، ۱۴۱۴ ق، ص ۷۲).

در زمینه تولید کتابهای کمکی غیراستاندارد به رسمیت شناختن حق مالکیت تولیدکنندگان آن کتابها موجب ضرر بزرگی برای کسانی خواهد بود که می‌بایست از طریق آن کتابها آموزشهای لازم را ببینند. یکی از محققان قاعده لاضرر را چنین معنا می‌کند که «ضرر در اسلام مشروعیت ندارد، هم در مقام تشریع و هم در مقام اجرا» (محقق داماد، ۱۳۸۲، ص ۱۵۰)؛ یعنی اگر در مقام اجرای حکم به رسمیت شناختن مالکیت تولیدکننده‌های کتابهای کمکی غیراستاندارد، به کسی از افراد جامعه زیان برسد، چنین زیانی را اسلام اجازه نمی‌دهد و نیز براساس قاعده مذکور علاوه بر ضرر شخصی ضرر نوعی هم می‌تواند مدنظر باشد؛ یعنی اگر در اثر تأیید مالکیت تولیدکننده کتابهای کمکی غیراستاندارد به نوع آموزش‌گیرندگان ضرر و زیانی متوجه شود باید جلو نشر آن گرفته شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

۱. براساس نظرسنجی انجام شده از متولیان و مؤلفان کتابهای درسی میزان آشنایی و اطلاعات آنان از قوانین حقوق مالکیت فکری، معنوی و قوانین مرتبط و جانبی تألیف در حد لازم و کافی نیست.
۲. اکثر فقهای معاصر در مورد قوانین موجود حقوق مالکیت فکری (معنوی) نظر موافق داشته و رعایت حقوق متعلق به صاحب اثر و پدیدآورنده آن را ضروری دانسته اند و در صورتی که هر شخصی بدان خسارت وارد کند، ضامن است و باید خسارت مادی و معنوی آن را جبران کند.
۳. بنا به حکم صریح قانونگذار در قانون تشکیل سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش وظیفه تألیف و انتشار کتابهای درسی برای دانش آموزان و معلمان و مربیان به عهده این سازمان است و این سازمان براساس آئین نامه های داخلی خود مجاز به عقد قرارداد خرید خدمت با افراد متخصص در زمینه تولید کتابهای درسی است و لذا کلیه حقوق مادی و معنوی اثر با توجه به قرارداد واگذاری کلیه حقوق متعلق به سازمان است.
۴. بنابر قواعد فقهی اتلاف، لاضرر و غرور هرگونه سوءاستفاده و درستکاری در کتابهای آموزشی و درسی بدون کسب اجازه از صاحب آن مصداق تقلب و از بین بردن مال یا حق دیگری است و باید از آن جلوگیری و در صورت ورود زیان جبران شود.
۵. با توجه به قوانین حقوق مالکیت فکری در ایران مصوبه سال ۱۳۴۸ الی ۱۳۸۲ در زمینه حق مؤلف و ناشر و همچنین نظریه «منطقه الفراغ» در اسلام، دولت و حاکم اسلامی اختیار دارد جهت رعایت و حفظ حقوق مؤلفان و پدیدآورندگان و صاحبان آثار ادبی و هنری و حقوق آموزش گیرندگان (به عنوان حقوقی جمعی)، متناسب با اوضاع و احوال جامعه مقررات و شرایط حمایتی لازم را وضع و اجرا کند.

پیشنهادهای کاربردی

پیشنهاد می شود به منظور رعایت حقوق مالکیت فکری (معنوی) و پیشگیری از تضییع حقوق جمعی دانش آموزان، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش پژوهشهایی مشابه در زمینه کتابهای درسی از نظر کپی رایت و حقوق مکتسبه آن انجام دهد. همچنین با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می شود که دستگاههای اجرایی مانند وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت دادگستری، معاونت حقوقی ریاست جمهوری و رسانه های ملی کشور موارد حقوقی و قانونی لازم را در زمینه های مرتبط به حقوق مؤلفان و پدیدآورندگان و صاحبان اثر ادبی و هنری آموزش دهند و اطلاع رسانی کنند. همچنین لازم است که برای صیانت از حقوق صاحبان آثار تألیفی و آموزشی مصرف کنندگان به ویژه دانش آموزان، استانداردهای آموزشی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش در حکم مرجع اصلی و نهایی در نظر گرفته شود، از این رو پیشنهاد می شود قوه مقننه و قضاییه برای ضمانت اجرای آن مجازاتهای بازدارنده تعیین و اجرا کنند و به منظور تأمین کارشناسان رسمی، رشته های دانشگاهی حقوق مالکیت فکری را توسعه دهند.

- آسبیون، ایده؛ کراوزه، کاتارینا و روساس، الن. (۱۳۹۰). *حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی*، ترجمه حمید فنبری. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۴ق). *رسائل فقهیه*. قم: مجمع الفکر الإسلامی
- حرعاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل البیت.
- حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۸۶). *مبانی مالکیت فکری*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). *فی شرح العروه الوثقی*، ج ۲۳. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
- زرکلام، ستار. (۱۳۸۸). *حقوق مالکیت ادبی و هنری*. تهران: انتشارات سمت.
- صافی، لطف‌الله. (۱۳۷۱). *استفتائات و نظرات پیرامون مسائل فقهی و حقوقی*. مجله رهنمون، مدرسه عالی شهید مطهری، شماره ۲ و ۳، ۲۰۷-۲۱۳.
- صالحی، جواد. (۱۳۹۰). *وصف گرابی مالکیت فکری*. ماهنامه کانون، (۱۱۸)، ۱۴۱-۱۷۰.
- صرامی، سیف‌الله. (۱۳۸۵). *حق، حکم و تکلیف*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، سال ۱۳۵۸
- قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون تاسیس سازمان جهانی مالکیت فکری (معنوی)*، سال ۱۳۸۰
- قانون تجارت الکترونیکی*، مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۱
- قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی*، مصوب ۱۳۵۲
- قانون تشکیل سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش*، مصوب سال ۱۳۵۵
- قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری*، مصوب ۱۳۸۶/۹/۵
- قانون ثبت علائم و اختراعات*، مصوب ۱۳۱۰
- قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای*، مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴
- قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان*، مصوب سال ۱۳۴۸
- قانون مدنی*، مصوب ۱۳۱۴
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷). *دوره مقدماتی حقوق مدنی*، وقایع حقوقی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- محمودی، اصغر. (۱۳۹۱). *ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آنها در حقوق اموال*. فصلنامه علمی و پژوهشی دانش حقوق مدنی، ۱ (۲)، ۹۴-۱۰۷.
- مرقاتی خویی، سیدطه. (۱۳۹۱). *تحلیل فقهی و حقوقی ممنوعیت تولید خودآموز و تکثیر غیرمجاز کتابهای درسی*. دوفصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۱۶ (۲۷)، ۱-۲۳.
- موسوی بجنوردی، سیدمیرزا حسن. (۱۳۸۹ق). *القواعد الفقهیه*. نجف الاشرف: مطبعة الادب.
- Aplin, T., & Davis, J. (2013). *Intellectual property law: Texts, cases, and materials* (2nd ed.). Oxford University Press.